

# علم أصول الفقه

۱۵-۱۲-۹۰ مبادئ مختص تصديقي ۵۹

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## شؤون امامت

- از ابتدا امام را رهبر، زعیم و زمامدار می دانستند و این را یکی از شؤون نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز می شمردند.
- در نظر شیعه به حکم عقل اگر در جامعه فرد معصومی وجود داشته باشد، او باید زمامدار مردم باشد و با وجود او نوبت به غیر معصوم نمی رسد.
- وقتی در جامعه شخصی وجود دارد که گرفتار عصیان و خطا و نسیان نمی شود، مسلماً وی لایق ترین فرد برای رهبری جامعه است.

## شؤون امامت

- شیعه به پیروی از ائمه علیهم السلام، به این نکته هم توجه داشته که اگر دو یا چند معصوم در یک زمان حضور دارند، فقط یکی از آنها متصدی رهبری است و مسئولیت زعامت فقط برای یکی فعلیت پیدا می‌کند و بقیه تابع او هستند.
- از این رو، در زمان رهبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و فرزندانش علیهم السلام همگی از وی تبعیت می‌کردند.
- همین طور در زمان زعامت امام اول شیعیان علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام تحت فرمان رهبر جامعه بودند و ... .

## شؤون امامت

- نکته‌ی دیگر، مسأله‌ی رهبری غیر معصوم در زمان غیبت معصوم است.
- استدلال شیعه مبنی بر این که در هنگام حضور معصوم، رهبری به غیر معصوم تعلق نمی‌گیرد، اقتضا نمی‌کند که رهبر حتماً باید معصوم باشد و رهبری غیر معصوم جایز نیست.
- بنابراین اگر معصوم در جامعه حضور نداشته باشد، زعامت جامعه را لایق‌ترین فرد از بین غیر معصومان به عهده می‌گیرد.
- در نظر شیعه کسی که در علوم معصومان تخصص دارد، بر دیگران مقدم است و سزاوار زعامت می‌باشد.

## شؤون امامت

- لازم به ذکر است که این دلیل عقلی (تقدم افضل به حیث توانایی علمی و عملی بر غیر افضل) همانند همه‌ی دلایل عقلی دیگر، مصداق و مورد خود را تعیین نمی‌کند.
- بنابراین اگر چند معصوم در یک زمان حاضر باشند، دلیل عقلی نمی‌تواند یکی از آنها را بر دیگران ترجیح دهد و او را به عنوان رهبر مشخص نماید.

## شؤون امامت

- همچنین اگر در یک عصر چند فقیه متخصص سزاوار عهده داری زعامت جامعه باشند و از حیث توانایی علمی و عملی با هم فرقی نداشته باشند، به حکم عقل نمی توان یکی را لایق این مسئولیت شمرد و دیگران را تابع او معرفی کرد.
- دلیل عقلی فقط بیانگر یک حکم کلی است:
- با وجود فرد افضل در جامعه، مسئولیت رهبری به افراد دیگر، چه فاضل و چه غیر آن، تعلق نمی گیرد.

## شؤون امامت

- با توجه به آنچه بیان شد، معلوم می‌گردد که شأن زعامت و رهبری امامان معصوم علیه السلام ضرورتاً اقتضا نمی‌کند که امام از خطا و نسیان و عصیان معصوم باشد.

## شؤون امامت

- ب. شأن علمی:
- شأن دیگر امام، شأن علمی است که شبیه شأن نبوت می باشد.
- نبی ارتباط و حیانی و علمی با خداوند دارد و در نظر شیعه امامان معصوم علیه السلام نیز از علم خاص الهی بهره مندند.
- به عبارت دیگر در فرهنگ شیعی امام از یک جهت وارث شأن زعامت و رهبری و از جهت دیگر وارث شأن نبوت و علم الهی است.



## شؤون امامت

- البته شیعه اصرار و اذعان داشته و دارد که ائمه علیهم السلام، امامند نه نبی، صاحب علم الهی اند نه وحی نبوی.
- و با این که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام همگی نور واحدند و امامت امتداد رسالت است؛ اما همواره مرز بین وحی نبوی و علم الهی ائمه علیهم السلام و مرز بین رسالت و امامت در نظر شیعیان حفظ شده است.

## شؤون امامت

- هیچ عالم شیعی ادعا نکرده که به ائمه علیهم السلام وحی می شود؛ اگرچه مستند علم آنها را، مصدری الهی شمرده اند.
- امامان معصوم علیهم السلام به فراگیری علوم آن گونه که فقها و متکلمان می پردازند، نپرداخته اند و این علم از سوی خداوند تبارک و تعالی به آنها اعطا شده است.
- این اعتقاد و فرهنگ نتیجه‌ی آموزش‌های خود رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام می باشد که نسل به نسل انتقال یافته است.

## شؤون امامت

- امامت به این معنا اختصاص به یکی از آنها در یک زمان ندارد.
- اگر چند معصوم با هم حاضر باشند، همگی از این شأن برخوردارند؛ اگرچه فقط یکی از آنها می‌تواند زعامت جامعه را به عهده گیرد.

# ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- حال سؤال این است:
- چه ضرورتی داشت که بعد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله، امامان با این علم خاص و ویژگی در جامعه حضور داشته باشند؟

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- آیا وجود آنان در جامعه صرفاً یک **تفضل** الهی بوده و خداوند بدون ضرورت و فقط به خاطر تسهیل فهم دین، آنها را قرار داده است، یا وجود امام بعد از نبی، به خصوص در دیانت خاتم، یک ضرورت بوده است؟
- آیا حتماً می‌بایست جریانی به نام امامت بعد از نبوت وجود داشته باشد و این جریان مدتی به صورت حضوری و مدتی نیز در پس پرده‌ی غیبت استمرار یابد؟

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- به دو صورت می‌توان به این پرسش پاسخ داد:

- أ. به استناد روایاتی به این مضمون که زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نیست، ضرورت وجود حجت بعد از نبی خاتم را اثبات می‌نماییم.

- پس اگر نبی صلی الله علیه و آله از بین مردم رخت بر بندد، ولی پس از او، حجت بر روی زمین است و با ارتحال ولی، ولی دیگر و....

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ۴۶۰ / ۱۰. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَبْقَى «۴» الْأَرْضُ بغيرِ إِمَامٍ؟ قَالَ: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ «۵»، لَسَاخَتْ «۶»». «۷»

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- در نتیجه‌ی این استدلال، نه تنها زمین هم اکنون از حجت خالی نیست، بلکه در زمان‌های گذشته نیز از حجت خالی نبوده است.
- به عبارت دیگر این بیان، ضرورت حجت را در همه‌ی زمان‌ها ثابت می‌کند، چه قبل از نبی خاتم و چه بعد از آن، و اختصاص به زمان و برهه‌ی خاصی ندارد.



## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ممکن است گمان شود این دلیل با آیه‌ای از قرآن که ظاهراً خلأ ولایت را بعد از حضرت عیسی علیه السلام ذکر می‌کند، ناسازگار است.
- در حالی که با دقت در قرآن، این اشکال مرتفع می‌شود.
- توضیح آن که خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یبین لکم علی فترۃ من الرسل» [ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که در دوران فترت رسولان (حقایق را) برای شما بیان می‌کند].

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- آیه حکایت از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از مدتی طولانی دارد که در آن مدت رسول برای مردم فرستاده نشده است، اما در مقام بیان عدم وجود حجت یا نبی تبلیغی (به تعبیر مرحوم مطهری) نیست.
- چه بسا در این مدت انبیا در بین مردم به تبلیغ آیین حق پرداخته‌اند، اگرچه هیچ کدام از آنها رسول نبوده‌اند. پس این آیه بر عدم حجت در آن زمان دلالت ندارد.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- لازم به ذکر است که در اعتقاد شیعه، حضرت عیسی علیه السلام، مسلوب نشده و زنده است.
- اما زنده بودن و به آسمان رفتن ایشان برای خالی نبودن زمین از حجت کافی نیست.
- چون اگر این مقدار کفایت می‌کرد، وجود نبی خاتم ضرورت نداشت.
- بعثت پیامبر خاتم به پیامبری، بیانگر سپری شدن دوران نبوت عیسی علیه السلام و دین مسیحی است.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- البته این بیان به دلیل اتکا به روایت از حوزه استدلال عقلی خارج است ولی این مطلب در فلسفه و عرفان به صورت ضرورت وجود انسان کامل در هر دوره بیان شده است.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- كلمة فيها اشارة الى ان المقتضى لظهور الحق في المظاهر انما هو الاسماء الالهية و ان مظهر اسم الله هو الانسان الكامل

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- اهل معرفت گویند حضرت حق سبحانه بذات خود مستغنی است از عالم و عالمان اما اسمای نامتناهی الهی مقتضی آنست که هر یک را مظهري باشد تا اثر آن اسم در آن مظهر بظهور برسد، و مسمی که ذاتست تعالی شانه در آن مظهر بر نظر موحد جلوه کند، مثلاً «الرحمن الرزاق القهار»، هر یک اسمی از اسمای حق سبحانه و تعالی و ظهور آن براحم و مرحوم و رازق و مرزوق و قاهر و مقهور تواند بود، که تا در خارج راحمی و مرحومی نباشد رحمانیت ظاهر نه گردد، و همچنین رازقیت و قاهریت و جمیع اسما را اینچنین می باید،

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- پس سبب ظهور حق در جمیع موجودات جزئیة طلب اسماء حق بود عز شانه و همه اسماء در تحت حیطة اسم «اللّه» است که جامع جمیع اسماء است و بهمه محیط است، و او نیز اقتضای مظهر کل کرد که آن مظهر را از راه جامعیت مناسبتی با اسم جامع باشد تا خلیفة اللّه باشد در رسانیدن فیض، و کمالات از اسم «اللّه» بما سواه، و آن مظهر جامع انسان کامل است که مخزن انوار الهی و مکمن فیوض نامتناهی است بل مخزن کل وجود و مفتاح جمیع خزاین جود است.

# ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ب. خاتمیت دین
- خاتمیت دین (نه تمام ادیان به طور مطلق) اقتضا می‌کند که امام بعد از نبی، در جامعه حضور داشته باشد.



## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- قبلاً به طور مفصل بیان کردیم که دین خاتم از دو ویژگی برخوردار است:
- ۱. **کامل** است (یعنی هر آنچه باید از طریق وحی دریافت شود، در این دین وجود دارد)،
- ۲. **مصون از تحریف** است.